



## فهرست مطالب

۲	سخن نخست
۳	حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر آمریکایی
۸	توصیه های مقام معظم رهبری به حوزه های علمیه
۱۲	محورهای مهم پیام امام خمینی در منشور روحانیت
۱۴	نقش رسانه در تحقق جنگ نرم
۱۷	ولایت فقیه و دیکتاتوری؟؟؟!
۲۲	مؤسسان داعش، کاندیدای نهایی ریاست جمهوری آمریکا
۲۸	عاشقان پرواز

انتقادات، پیشنهادات و سؤالات خود را با ما در میان بگذارید.

نمبر: ۰۷۱۵۴۴۴۶۰۲۴

Email:

mohamad gahramane@ymail.com

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بصیرت ظهور

فصلنامه تحلیلی-سیاسی

بسیج طلاب حضرت نرگس علیها السلام جهرم

سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۹۵

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه

مدیر مسئول:

سید علی اکبر حمزوی

سردبیر:

عادلہ رنجبر

همکاران این دوره:

فاطمه توحیدی، سمیرا رحمانیان،

سعیده رحمانیان، حکیمه شعبانی

صفحه آرایی: سمیه مصلی نژاد

با تشکر از:

مسئول محترم حوزه نمایندگی

ولی فقیه در جهرم:

حجت الاسلام محمد شفیع قهرمانی

نشریه بصیرت ظهور در حالی به شماره پانزدهم خود رسید که حاصل تلاش گروهی متشکل از اساتید و طلاب محترم حوزه علمیه حضرت نرگس علیهاالسلام جهرم بود. هرچند این نشریه کمبودها و کاستی‌هایی را تا نیل به هدف مطلوب دارد، اما همه تلاش گروه تحریریه و سایر دوستان و همراهان در رسیدن به سر منزل مقصود را بسیج کرده، روشننگری و بصیرت را سر لوحه کار خویش قرار داده است. این تلاشی هر چند کوچک در راستای لبیک به یکی از دغدغه‌های علمدار کربلای ایران، امام خامنه‌ای عجّل‌الله فرجه مبنی بر خطر نفوذ سکولاریسم در حوزه‌های علمیه و در جهت آشنایی هر چند مختصر پیرامون مسایل سیاسی و بصیرتی قشر طلاب، که فارغ از هر گونه حب و بغض صورت گرفته که بسیجی وار پای در صحنه گذارده تا حمایت بی چون چرای خود را در جهت اجرایی نمودن منویات امام خامنه‌ای بردارد. مسیری که از بدو امر با حمایت‌های مشفقانه مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در ناحیه مقاومت سپاه جهرم آغاز و ادامه یافت و با مشکلات فراوان ریل گذاری و هدف گذاری گردید.

در اینجا شایسته است که از زحمات دلسوزانه و بی دریغ جناب حجت الاسلام محمد شفیق قهرمانی نمایندگی محترم ولی فقیه در ناحیه مقاومت جهرم کمال تشکر و قدردانی به عمل آوریم که مخلصانه تمام تلاش خود را در جهت حمایت از این نشریه معطوف نمودند.

تمامی اعضای هیات تحریریه برای ایشان آرزوی موفقیت و پیروزی دارند ان شاءالله در هر جای این کشور مشغول خدمت صادقانه هستند خداوند متعال ایشان را یاری رساند. باشد که خدمات خدمت‌گذاران به این انقلاب و نظام نزد حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مقبول افتد.   
والعاقبه للمتقین

در عصر و زمانی زندگی می کنیم که ادعای حقوق بشری جوامع غربی گوش فلک را کر کرده و تنها خویشتن را سینه چاک و مدافع بشر دانسته و برخی کشورهای اسلامی، بالاخص ایران عزیز اسلامی را ناقض حقوق بشر می دانند. در همین راستا مقام معظم رهبری امام خامنه ای عزیز، ۱۲-۷ تیر ماه را به عنوان هفته حقوق بشر آمریکایی نام گذاری نمودند تا دنیا متوجه ادعای دروغین این جرثومه ی فساد و بزرگترین ناقض حقوق بشر در این قرن اخیر، حداقل نسبت به ملت سربلند ایران شده ، بلکه سره از ناسره تشخیص داده شود. خصوصاً جوانان عزیز متوجه شیطنت شیطان بزرگ آمریکای خونخوار شده و ندانسته در دام دروغینش گرفتار نشوند.

### حقوق بشر اسلامی:

امام سجاد (علیه السلام) حقوق را به سه نحو بیان می دارند:

۱- حق الله

۲- حق النفس

۳- حقوق اجتماعی مردم

برای فهم بهتر در ابتدا نیم نگاهی به حقوق بشر اسلامی از منظر امام سجاد (علیه السلام) داشته، و در پایان هم جنایت بشری آمریکای ستم پیشه را که در این چند دهه اخیر علیه ملت شریف ایران روا داشته به نحو اشاره ای و خلاصه بیان می داریم.

### ۱- حق الله

دسته ی اول حق خداوند بر انسان است که در تمام لحظات و حالات مراعات آن ها بر انسان لازم است و حتی این حقوق ریشه ی تمامی حقوق دیگری است که بر انسان واجب است (و اکبر حقوق الله علیک ما اوجبه لنفسه تبارک و تعالی من حقه الذی هو اصل الحقوق ومنه تفرع)، همین نکته را می توان یکی از فرق های بنیادی بین حقوق اسلامی و حقوق مدرن برشمرد که یکی مبتنی بر اصالت حق و مالکیت الهی بر عالم و توحید ربوبی، و دیگری مبتنی بر انسان محوری (اومانیسیم) و نفی حق الهی در تشریح عرصه های اجتماعی بشر است.

## ۲- حق النفس

دسته ی دوم حقوقی هستند که نفس و اعضای انسان بر خود فرد دارند و فرد نسبت به خود باید آن ها را رعایت کند. از آن جا که مالک حقیقی همه چیز حتی همه ی انسان ها خداست، انسان نسبت به بدن و نفس خود نیز به عنوان امانتی الهی وظایفی دارد که حق نفس، و اعضای بدن مانند زبان، گوش، چشم، پا و دست از آن جمله اند. حق این اعضا بر انسان این است که آن ها را در راه طاعت و حلال به کار گیرد و از به کار گیری آن ها در راه معصیت بپرهیزد..

در مکتب حقوقی امام سجاد (علیه السلام) عبادات مانند نماز، روزه، صدقه، حج و حتی قربانی آن نسبت به انسان ذی حق هستند و فرد حق آن ها را نیز بایست ادا کند.

## ۳- حقوق اجتماعی

دسته ی سوم حقوقی هستند که در ارتباط فرد با سایر افراد جامعه به وجود می آیند غیر از یک مورد که تحت عنوان حق مال و دارایی بیان شده و می توان آن ها را حقوق اجتماعی نامید. این موارد عبارتند از: ۱. حق فرمانروا ۲. حق آموزگار ۳. حق مالک ۴. حق رعیت ۵. حق دانش آموز ۶. حق همسر ۷. حق برده و غلام ۸. حق مادر ۹. حق پدر ۱۰. حق فرزند ۱۱. حق برادر ۱۲. حق مولا بر بنده آزاد شده او ۱۳. حق بنده آزاد شده بر مولا ۱۴. حق احسان کننده ۱۵. حق مؤذن ۱۶. حق امام جماعت ۱۷. حق هم نشین ۱۸. حق همسایه ۱۹. حق دوست ۲۰. حق شریک ۲۱. حق ثروت ۲۲. حق بستانکار ۲۳. حق معاشر

۲۴. حق طرفین دعوا ۲۵. حق مستشیر ۲۶. حق مشاور ۲۷. حق نصیحت خواه ۲۸. حق نصیحت کننده ۲۹. حق بزرگ سالان ۳۰. حق خردسال ۳۱. حق سائل (درخواست کمک کننده) ۳۲. حق مسوول ۳۳. حق شخص شادمان کننده ۳۴. حق بدی کننده ۳۵. حق هم کیش ۳۶. حق اهل ذمه

حقوق بشر آمریکا در این شش دهه ی اخیر حداقل نسبت به ملت ایران اسلامی:

- ۱- کودتا در دولت مصدق در سال ۱۳۳۲
- ۲- سال ۱۳۳۲ حمایت و تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی شاه
- ۳- سال ۱۳۳۵ تشکیل و تقویت ساواک
- ۴- از سال ۱۳۴۲ حمایت از اقدامات شاه در سرکوب مردم
- ۵- از سال ۱۳۵۷ سازماندهی، هدایت و پشتیبانی نیروهای ضد انقلاب
- ۶- از سال ۱۳۵۷ حمایت از تجزیه‌طلبان کردستان، ترکمن‌صحراء، آذربایجان، خوزستان و سیستان و بلوچستان
- ۷- سال ۱۳۵۷ به رسمیت نشناختن دولت جمهوری اسلامی ایران
- ۸- سال ۱۳۵۸ توقیف تجهیزات پیشرفته نظامی ایران در انبارهای آمریکا
- ۹- نقشه چینی جهت بر اندازی انقلاب اسلامی در سفارت خویش، که توسط دانشجویان خط امام، خط نفاق و کفرشان شکست
- ۱۰- سال ۱۳۵۸ تصرف و تخریب ساختمان‌های متعلق به دولت ایران در آمریکا
- ۱۱- سال ۱۳۵۸ مسدود کردن حساب‌های ایران در بانک‌های آمریکا
- ۱۲- از سال ۱۳۵۸ اظهارات تجاوز گرایانه در سخنوری‌ها به مواضع ملت ایران
- ۱۳- سال ۱۳۵۹ حمایت همه جانبه از صدام خون آشام در حمله به ایران
- ۱۴- سال ۱۳۵۹ حمله نظامی ابرهه وار به ایران در صحرای طبس که توسط یربازان نامربی خداوند، شن بیابان شکست خوردند
- ۱۵- سال ۱۳۶۰ حمایت سیاسی، حقوقی و تبلیغاتی از بنی‌صدر
- ۱۶- حمایت از منافقین در ترور شهدای محراب و شهدای ۷۲ تن در راس آن شهید بهشتی و انفجار دفتر نخست وزیری شهدای شهیدان رجایی و باهنر
- ۱۷- از سال ۱۳۶۰ سکوت در برابر موج عظیم عملیات‌های تروریستی منافقین و گروه‌های مارکسیستی علیه ایران
- ۱۸- سال ۱۳۶۳ قرار دادن نام ایران در فهرست کشورهای یاغی و حامی تروریسم
- ۱۹- سال ۱۳۶۵ حمایت از گروهک درفش کاویانی برای براندازی جمهوری اسلامی
- ۲۰- سال ۱۳۶۶ ممانعت از اجرای قرارداد احداث نیروگاه اتمی بوشهر میان ایران و آلمان

۲۱- سال ۱۳۶۷ اعمال فشار همه جانبه بر ایران برای پذیرش قطع نامه ۵۹۸

۲۲- از سال ۱۳۶۷ ممانعت از دستیابی ایران به غرامت‌های ناشی از جنگ تحمیلی

۲۳- سال ۱۳۶۷ معرفی ایران به عنوان طراح انفجار هواپیما برفراز لاکربی

۲۴- سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران با قریب به ۳۰۰ مسافر در ۱۲ تیر سال ۱۳۶۷

۲۵- سال ۱۳۶۸ گنجاندن وضعیت نقض حقوق بشر در ایران در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل

۲۶- از سال ۱۳۶۸ تلاش برای تصویب قطع نامه علیه وضعیت حقوق بشر در ایران در سازمان ملل

۲۷- سال ۱۳۷۲ اعمال «سیاست مهار دوگانه» علیه ایران

۲۸- سال ۱۳۷۲ تحریک امارات متحده عربی برای مطرح ساختن ادعاهای ارضی علیه جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی

۲۹- سال ۱۳۷۲ ممانعت از فروش فن‌آوری‌های پیش‌رفته اروپایی به ایران

۳۰- سال ۱۳۷۳ مخالفت شدید با قرارداد تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر توسط روسیه

۳۱- سال ۱۳۷۳ تصویب «طرح بنجامین گلیمن» و لغو قرارداد کونکو با ایران

۳۲- سال ۱۳۷۳ معرفی ایران به عنوان مجری انفجار بوئنوس آیرس در آرژانتین

۳۳- سال ۱۳۷۴ مخالفت با عبور خطوط لوله‌ی نفت و گاز و راه‌های ترانزیت آسیای میانه از ایران

۳۴- سال ۱۳۷۴ فشار بر ترکیه برای لغو قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری خرید گاز از ایران

۳۵- سال ۱۳۷۴ جنجال آفرینی‌های وسیع برای معرفی ایران به عنوان طراح و سازمانده انفجار طهران در عربستان

۳۶- از سال ۱۳۷۵ فشار مستمر بر اتحادیه‌ی اروپا و ژاپن برای قطع روابط اقتصادی با ایران

۳۷- سال ۱۳۷۵ معرفی ایران به عنوان بزرگ‌ترین مانع روند صلح خاورمیانه پس از کنفرانس‌های مادرید و اسلو

۳۸- سال ۱۳۷۵ مسلط کردن طالبان بر افغانستان برای ایجاد مزاحمت برای ایران

۳۹- از سال ۱۳۷۵ طراحی فروپاشی جمهوری اسلامی ایران به سبک فروپاشی شوروی

۴۰- سال ۱۳۷۶ بهره‌برداری گسترده از رأی دادگاه میکونوس برای تخریب روابط اتحادیه‌ی اروپا با ایران



۴۱- سال ۱۳۷۶ تهدید ایران به حمله‌ی نظامی با دستاویز قراردادن دخالت ایران در انفجار طهران  
 ۴۲- از سال ۱۳۷۶ سرمایه گذاری برای ایجاد مطبوعات مجری طرح فروپاشی  
 ۴۳- سال ۱۳۷۷ تصویب بودجه در کنگره آمریکا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران  
 ۴۴- سال ۱۳۷۷ مخالفت شدید با آزمایش‌های موشکی ایران بویژه پس از پرتاب موشک شهاب  
 ۴۵- سال ۱۳۷۸ مخالفت با پرداخت وام از سوی بانک جهانی به ایران  
 ۴۶- حمایت از فتنه گران در غایله کوی دانشگاه تهران در ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸  
 ۴۷- از سال ۱۳۸۰ تلاش برای جلوگیری از دستیابی ایران به دانش و فن‌آوری هسته‌ای  
 ۴۸- سال ۱۳۸۰ معرفی ایران به عنوان طراح انفجار مرکز تجارت جهانی در نیویورک  
 ۴۹- سال ۱۳۸۲ اختصاص بودجه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران  
 ۵۰- از سال ۱۳۸۳ حمایت از گروهک تروریستی ریگی

۵۱- سال ۱۳۸۳ تاسیس گروهک تروریستی پژاک  
 ۵۲- سال ۱۳۸۸ دخالت در انتخابات ایران و راه اندازی فتنه بزرگ ۸۸  
 ۵۳- سال ۱۳۸۹ تهدید ایران به حمله‌ی اتمی بر خلاف اصول و عرف بین‌الملل  
 ۵۴- از سال ۱۳۹۰ ترور دانشمندان هسته‌ای ایران  
 ۵۵- سال ۱۳۹۰ مخالفت با حضور ایران در «گروه مینسک» برای حل بحران قفقاز  
 ۵۶- سال ۱۳۹۱ حمایت از ادعاهای امارات درباره جزایر سه گانه  
 ۵۷- سال ۱۳۹۲ فرستادن جاسوس به ایران در قالب خبرنگار واشنگتن پست (جیسون رضاییان و همسرش)  
 ۵۸- سال ۱۳۹۴ تحریم های جدید به بهانه تست موشکی  
 ۵۹- سال ۱۳۹۵ منع فروش هواپیمای مسافربری بویینگ به ایران  
 ۶۰- سال ۱۳۹۵ برداشت دو میلیارد دلاری از اموال بلوکه شده ایران به بهانه تروریست و موارد بسیار از بدعهدی دولت خبیث آمریکا در برجام

۴۱- سال ۱۳۷۶ تهدید ایران به حمله‌ی نظامی با دستاویز قراردادن دخالت ایران در انفجار طهران  
 ۴۲- از سال ۱۳۷۶ سرمایه گذاری برای ایجاد مطبوعات مجری طرح فروپاشی  
 ۴۳- سال ۱۳۷۷ تصویب بودجه در کنگره آمریکا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران  
 ۴۴- سال ۱۳۷۷ مخالفت شدید با آزمایش‌های موشکی ایران بویژه پس از پرتاب موشک شهاب  
 ۴۵- سال ۱۳۷۸ مخالفت با پرداخت وام از سوی بانک جهانی به ایران  
 ۴۶- حمایت از فتنه گران در غایله کوی دانشگاه تهران در ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸  
 ۴۷- از سال ۱۳۸۰ تلاش برای جلوگیری از دستیابی ایران به دانش و فن‌آوری هسته‌ای  
 ۴۸- سال ۱۳۸۰ معرفی ایران به عنوان طراح انفجار مرکز تجارت جهانی در نیویورک  
 ۴۹- سال ۱۳۸۲ اختصاص بودجه برای براندازی جمهوری اسلامی ایران  
 ۵۰- از سال ۱۳۸۳ حمایت از گروهک تروریستی ریگی

سعیده رحمانیان

دو دیدگاه درباره مسائل حوزه وجود دارد:

**دیدگاه اول،** نگاه به مسائل عمومی حوزه است؛ مسائل علم، تربیت علمی، تحقیق، اخلاق، مسائل مدیریتی، مسائل سازمانی در حوزه ی قم، بحث کتابهای درسی، بحث چگونگی درس خواندن.

**دیدگاه دوم،** وضعیت انقلابی و رشد و بلوغ تفکر انقلابی در حوزه است؛ در مورد تداوم روحیه ی انقلابی و منش انقلابی در حوزه ی قم و دیگر حوزه ها یک مقداری فکر کنیم و کار کنیم؛ ما یک انقلاب عظیمی را در تاریخ نزدیک به خودمان گذرانده ایم. حادثه ی انقلاب، یک حادثه ی عظیم و فوق العاده و محیرالعقولی بود.

ما حالا عادت کرده ایم به این، ما چون در جریان بودیم، خیلی توجه نمی کنیم، خیلی درباره اش اهتمام نمی ورزیم برای ارزیابی و تقویم این حادثه. [اما] کسانی که از بیرون نگاه می کنند به حادثه ی انقلاب و قضاوت می کنند درباره ی حادثه ی انقلاب، عظمت این حرکت را، این حادثه را، این پدیده را بیشتر از ما درک می کنند.



بررسی دیدگاه ها و نقطه نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی برای حوزه های علمیه و روحانیت که بسیاری از آن ها جنبه راهبردی داشته و برای ایجاد تحول در حوزه و رشد علمی، پژوهشی و معنوی روحانیت بسیار سودمند و راهگشا است، امروز یک ضرورت اجتناب ناپذیر است.

موضوع بحث، بررسی مطالبات رهبری از طلاب است که در سخنرانی های اخیر (۲۵/۱۲/۱۳۹۴) و (۹۵/۲/۲۵) ایراد نموده اند.



مثل همه‌ی مبارزات دانشجویی دیگر، در همان محیط دانشگاه محدود می شد و یک حمله‌ای می کردند، یک حرکتی می کردند، یک مبارزه‌ای می شد، یک معارضه‌ای می شد و تمام می شد؛ [اما] حوزه این جور نبود. **مبارزات حوزه اولاً تقریباً همه‌گیر بود؛** تقریباً همه‌ی طلباب یا اغلب طلباب درگیر مبارزه شدند. **خصوصیت دوم، اثرگذاری حوزه‌ی قم بود.** مردم را چه کسی آورد به خیابان؟ طلبه‌ها آوردند. بله، امام رهبر بود، اگر امام نبود بدون شک این اتفاق اصلاً نمی‌افتاد؛ اما ابزار امام چه بود؟ آن وسیله‌ای که فکر امام را، خواسته‌ی امام را، آن نیت امام را تحقق بخشید... اجرایی کرد، حوزه‌ی علمیه بود، طلباب بودند؛ بله.. همه‌ی اقشار مردم در انقلاب شرکت داشته‌اند... یا در مورد گروه‌های پیشرو مثلاً می‌گوییم «دانشجوها، طلبه‌ها» ... اما پیشرو بودن و ورود، یک حلقه‌ی وصلی لازم داشت، یک **حلقه‌ی واسطی** لازم داشت؛ این حلقه‌ی واسط **حوزه‌ی علمیه‌ی قم** بود و البته حوزه‌های علمیه‌ی دیگر؛ فقط حوزه‌ی قم نبود... این انقلاب عظیم، این پدیده‌ی حیرت‌انگیز، این حادثه‌ای که **دنیا را تکان داد...** منتهی می شود به این حلقه‌ی واسط، یعنی به حوزه‌ی قم. نسبت حوزه‌ی قم با انقلاب این است.

در مبارزات سیاسی در کشور -هم مبارزات سیاسی منتهی به انقلاب و هم سایر مبارزات- عموم مردم تا حدودی ورود داشتند لکن دو مجموعه، ورود واضح و اثرگذار و بینی داشتند: یکی **حوزه‌های علمیه** و علمایند -علمای شیعه- یکی هم **دانشگاه‌ها؛** منتها مبارزات دانشجویی همیشه، هم در کشور ما، هم در جاهای دیگر، محدود مانده است در محیط دانشگاه، یا اندکی تأثیرگذاری بر روی برخی از مسائل عمومی کشور [داشته]؛ هیچ وقت مبارزات دانشجویی تبدیل به یک انقلاب و به یک حرکت عمومی و تحول عمومی نشده؛ این خصوصیتشان است.

علتش هم این است که دانشجو نفوذ و امتداد اجتماعی ندارد؛ حداکثر تأثیری که دانشجو دارد، این است که در خانواده‌ی خودش یک فکری را ایجاد بکند یا یک چیزی را مثلاً فرض کنید ترویج کند در داخل خانواده یا یک محیط‌های محدود. در کشور ما هم همین جور بود؛ بله، ما قدردان مبارزات دانشجویان هستیم، همراهی آن‌ها با انقلاب را خیلی قدر می‌شناسیم، اهمیت می‌دهیم لکن این مبارزات اگر منها می شد از مبارزات روحانیت و مبارزات روحانیت نمی بود...

## انقلابی ماندن حوزه های علمیه، عامل انقلابی ماندن نظام

اگر بخواهیم نظام اسلامی -همین نظامی که الان تشکیلاتی دارد، قوای سه گانه ای دارد، نیروهای مسلحی دارد، دستگاه ها و سازمانهای گوناگونی دارد- انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه ی قم باید **انقلابی** بماند؛ اگر حوزه ی قم انقلابی نماند، حوزه های علمیه اگر انقلابی نمانند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. حرف من این است که می گویم حوزه ی علمیه ی قم بایستی به عنوان یک حوزه ی انقلابی، به عنوان **مهّد انقلاب**، به عنوان آن کوره ی آتشفشانی که همین طور دارد انرژی انقلابی را صادر می کند از خودش، حضور داشته باشد و ظهور داشته باشد.

راه، فکر کردن و اندیشیدن و حکمت آمیز برنامه ریزی کردن، مجموعه های برنامه ریزی شده را تهیه کردن و دنبال کردن است؛ بنابراین بینش انقلابی در قم بایستی توسعه پیدا کند، حرکت انقلابی باید توسعه پیدا کند.

لزوم توسعه بینش و حرکت انقلابی در حوزه قم برای جلوگیری از انقلاب زدایی

اگر دیدید انقلاب زدایی دارد انجام می گیرد باید احساس خطر کنید. خب، احساس خطر کردن کافی نیست، باید به فکر علاج بود؛ علاج هم تدبیر لازم دارد، فکر لازم دارد؛ باید افراد صاحب فکر بنشینند فکر کنند؛ باکارهای سطحی، با فریاد کشیدن که احياناً در یک جلسه ای آدم داد بکشد و به یکی اعتراض کند، با این حرفها مسئله درست نمی شود.

### تبیین سه مسئولیت مهم روحانیت

رهبر معظم انقلاب، «هدایت فکری و دینی»، «هدایت سیاسی و بصیرت افزایی» و «راهنمایی و حضور در عرصه خدمات اجتماعی» را سه وظیفه عمده روحانیت برشمردند و تأکید کردند: طلاب باید با کسب صلاحیت ها و آگاهی های لازم، در دنیای متفاوت امروز خود را برای ایفای مسئولیت های تعیین کننده در جامعه آماده کنند.

## ۱- هدایت دینی

اگر همه تخصص های مورد نیاز یک جامعه به بهترین شکل وجود داشته باشد اما جامعه، دینی نباشد، آن ملت در دنیا و آخرت دچار خسران و مشکلات واقعی خواهد بود و این مسئولیت عظیم یعنی **تبدیل جامعه به جامعه ای دینی**، بر عهده علما و روحانیت و طلاب است.

مفهوم هدایت دینی را «تبیین اندیشه های ناب اسلامی»؛ با اشاره به تأثیر فضای مجازی در افزایش شبهات دینی و وجود انگیزه های سیاسی برای تزریق افکار منحرف و غلط در ذهن جوانان تأکید کردند: این میدان، میدان واقعی جنگ است و روحانیون و طلاب باید مسلح و آماده، وارد عرصه مقابله با شبهات و تفکرات غلط و انحرافی شوند.

## ۲- درک اسلام ناب و متکی بر کتاب و سنت

با بهترین روش ها، مردم را به عبادات و ظواهر و مصادیق دینی از جمله صدق، امانت، تقوا، ترک منکر، امر به معروف و سبک زندگی صحیح، هدایت کنید. باید با استدلال صحیح، اعتقادات موروثی را که ممکن است در گذر زمان دچار زوال شده باشند، عمق ببخشید و به مسیر صحیح بکشانید.

## ۳- «هدایت سیاسی»

علت تأکید مکرر بر ضرورت انقلابی بودن حوزه های علمیه این است که استمرار حرکت صحیح و انقلابی کشور و جامعه، بدون حضور مستمر روحانیت امکان پذیر نیست.

در جمهوری اسلامی، تداوم حضور علما و روحانیون و در نتیجه حضور مردم در عرصه ها، استمرار حرکت انقلاب را ممکن کرده است.

## نقش حوزه و روحانیت

حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجروپها بوده‌اند.

بیش از دو هشتاز و پانصد نفر از طلاب علوم دینیه در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است.

در ترویج روحانیت و فقاقت نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایه پول پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند.

یقیناً اگر جهانخواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند.

## تقابل با روحانیت و آغاز نهضت

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ ۱- ارباب و زور ۲- خدعه و نفوذ در قرن معاصر.

اولین و مهمترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت و ایستگه، به اجانب، ا به همراه می‌آورد.

طلاب جوان باید بدانند که... شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی‌دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند.

## وظیفه‌ی امروز

ما باید بدون توجه به غرب حيله‌گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآییم و آلا مادامی که فقه در کتابها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست

حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهیای عکس العمل مناسب باشند.

چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

همه توطئه‌های جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که ان شاء الله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود.

اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هر گز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هر گز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.

### عادله رنجبر

بعد از اینکه جنگ سخت و نیمه سخت، دیگر نتوانست آن طور که باید دشمنان را در اهداف خود یاری رساند، آنان به دنبال جایگزین کردن رویکرد جدیدی از جنگ بودند که علاوه بر آنکه دشمنان را در پیشبرد اهداف خود یاری رساند، هزینه و تلفات کمتری نسبت به جنگ های گذشته داشته باشد؛ از این رو جنگ جدیدی به نام «جنگ نرم» را در دستور کار خود قرار دادند.

در حقیقت جنگ نرم شامل هر گونه اقدام روانی، تبلیغاتی، رسانه ای، فرهنگی و اجتماعی است که جامعه یا گروه هدف را نشانه می گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی دارد. بنابراین جنگ امروزه را می توان «جنگ رسانه» نیز نامید. بدین معنا که بازیگران می کوشند با استفاده از رسانه ها و فناوریهای نوین، از رقیبان خود «تصویری مجازی» تولید کنند که امکان قرار گرفتن به جای واقعیت را داشته باشد. بدین ترتیب، واقعیت هایی مجازی شکل می گیرد که از یکسو بر آنچه در جهان خارج رخ می دهد منطبق نیست و از سوی دیگر بهره ای از واقعیت دارد و افکار عمومی و تصمیم سازان نیز بر اساس آن، اوضاع را تحلیل می کنند و تصمیم می گیرند. به عبارتی، در فضای جنگ نرم به جای دست کاری واقعیتها واقعیت تولید می شود. (۱)

ماهیت این نوع جنگ، فرهنگی و از جنس اقناع سازی و کنترل افکار عمومی است؛ از همین رو، جنگ نرم ماهیتی فرهنگی و ارتباطی دارند، که مهمترین ابزار آن را می توان رسانه نامید. غرب و قدرتهای بزرگ در هجمه سنگین فرهنگی خود علیه نظام ها و امت اسلامی، به قدری از ابزار رسانه بهره برده اند که می توان ادعا کرد این وسیله یکی از بازوهای اجرایی و کارآمد جنگ نرم علیه امت اسلامی است که تأثیر بسیار بر ملت ها نهاده است.

جنگ امپراطوری رسانه علیه ایران اسلامی بر اساس تاثیرگذاری بر اعتقادات و باور های جامعه مسلح شده است، زیرا اعتقادات و باورها اساس حرکت هر جامعه به شمار می آیند و جامعه متشکل از افرادی است که بر اساس باورهای اعتقادی خود به زندگی شان شکل می دهند. بدین ترتیب، اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت هر ملت و جامعه ای مانع گذارند یا آن را تغییر دهند، بهترین گزینه، دگرگونی باورهای آنهاست. چنانچه دشمنان هر ملتی بتوانند در اعتقادات آن رسوخ کنند، زمینه های لازم برای هدف بعدی، یعنی تغییر در چگونگی اندیشه در حوزه های گوناگون فراهم می شود.

تغییرات اساسی در این مبانی، الگوهای رفتاری در حوزه های گوناگون تغییر می کند. در واقع نهادهای رفتاری در هر جامعه، بر اساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه پدید می آیند. بدیهی است که با تحول هر نوع باور و اندیشه ای، الگوهای رفتاری جدید بر اساس باورها و اندیشه های نو جانشین الگوهای پیشین می گردد. (۲)

هدف نهایی در جنگ نرم رسانه ای علیه ایران اسلامی، به وجود آوردن دگرگونی در ساختارهای سیاسی و قرار دادن ساختارهای جدید به جای آنهاست. با تغییر باورها، افکار و رفتارهای جامعه، باعث می شود که مردم مسئولین نظام را از خود ندانند و این مقبولیت زدایی برای ایجاد بحران، ناآرامی و بی ثبات سازی در جامعه هدف، از کار ویژه های اصلی جنگ نرم و رسانه محسوب می شود. در واقع فتنه ۸۸ نمونه ی کوچک شده ی جنگ رسانه ای دشمن در این راستا بوده است.

با توجه به آنچه گفته شد، کارگزاران جنگ نرم در پی از پا در آوردن اندیشه و تفکر جامعه‌ی هدف هستند تا بنیان‌های فکری فرهنگی آن را سست کنند و با بمباران خبری و تبلیغاتی، سبب بی‌ثباتی نظام سیاسی اجتماعی حاکم شوند. با این اوصاف، اقدامات متنوعی، از جنگ رایانه‌ای و فعالیتهای اینترنتی تا راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی تلویزیونی و شبکه‌سازی در فضای مجازی، در قالب مفهوم جنگ نرم می‌گنجد. (۴)

بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که رسانه‌ها در اصل در خدمت سیاست‌گذاران و جنگ‌سالاران قرار گرفته تا با استفاده نامطلوب از آن در جهت پیش‌برد اهداف نامشروع و تحقق اهداف شوم خود که بی‌ثبات‌سازی و فروپاشی و در یک کلام نابودسازی اسلام ناب است که هدف نهایی در جنگ نرم می‌باشد.

نتیجه‌ی جنگ نرم علیه امت اسلامی و جوامع مسلمان نیز، خلع سلاح فکری، اعتقادی، فرهنگی ارزشی آن جوامع، منفعل نمودن آنها و قرار دادن فرهنگ، اعتقادات، افکار و ارزشهای دشمن در قلب، ذهن و فکر افراد آن جوامع و آنها را پیرو خود کردن است. اهداف دولت‌های مستکبر در جنگ نرم علیه امت‌های اسلامی را می‌توان به این شرح بیان کرد: از بین بردن وحدت ملی و وحدت میان ملت‌های اسلامی، تخریب باورهای دینی، از بین بردن روحیه امید و ایجاد ناامیدی در میان جوامع و دولتهای اسلامی، ترویج ارزشهای فرهنگی بیگانه در میان کشورهای اسلامی و.... قدرتهای بزرگ برای رسیدن به این اهداف، از توان رسانه‌های و محصولات فرهنگی خود بهره می‌گیرند. (۳)

۱- احمدزاده کرمانی، روح‌الله (۱۳۸۸)، درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات بسیج.  
 ۲- ریاحی، محمدرضا (۱۳۹۰)، ایران و آمریکا، توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه، تهران، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.  
 ۳- قنبری، سیروس و دیگران (۱۳۹۱)، تأثیر درس انقلاب اسلامی بر ارتقاء میزان آشنایی دانشجویان با جنگ نرم، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، ش ۵، زمستان.  
 ۴- نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، ش ۲۸.



## حکیمه شعبانی

همه ما در کشوری زندگی می کنیم که زیر بنای آن را حکومت اسلامی تشکیل داده است، بر این اساس، ولایت فقیه در این نظام، از جنبه تشریحی؛ در طول ولایت ائمه علیهم السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و در نهایت در طول ولایت الهی است، و بر همه ی ما واجب است تا دستورات ایشان را به کامل ترین شکل ممکن اجرا کنیم. البته باید بدانیم که ولایت فقیه، مطلقه باشد، تا روشن گردد که ولایت فقیه تنها مختص بر محجورین نبوده و نسبت به همه ی مردم عمومیت دارد.

اما با وجود تمام ادله روشن، عده ای مغرضانه و یا ندانسته شبهه هایی را در این باب مطرح کرده اند که یکی از موارد آن به این شرح است؛

آیا ولایت فقیه به دیکتاتوری نمی انجامد؟ که در این مجال به طور مختصر به آن پاسخ داده می شود.

دین اسلام در طول تاریخ همواره مورد هجوم دشمنان قرار گرفته است، اما از آن جهت که دین جاودانگی است، خداوند متعال راه نجات بشریت را در این دین به مردم نشان داده است، یکی از این راهها وجود **مجری قوی** است که دستورات الهی را در جامعه اجرا کند، که در عصر حضور معصوم این امر به دست ایشان اجرا می شد، اما اکنون که در عصر غیبت کبری زندگی می کنیم **نایب عام امام**، زمام جامعه اسلامی را در دست دارد. در این راستا عده ای این پرسش را مطرح کرده اند که وجود ولایت مطلقه فقیه به معنای ولایت داشتن ولی فقیه به طور مطلق و عام می باشد که نوعی دیکتاتوری است. در پاسخ به این سوال لازم است ابتدا معنای ولایت مطلقه فقیه و دیکتاتوری روشن شود.

ولایت و سرپرستی از واژه «ولی» به معنی نزدیکی بدون فاصله می باشد و او کسی است که به تدبیر امور از دیگری احق و سزاوارتر است. (۱) آیت الله مکارم شیرازی در این معنا چنین می فرماید: «به معنی سرپرستی، تصرف، رهبری مادی و معنوی است به خصوص این که این ولایت در ردیف ولایت پیامبر ﷺ و ولایت خدا قرار گرفته است.» (۲)

پیامبر ﷺ با همه ویژگیهای شخصی و شخصیتی که دارد ولایتش مقید و محدود است و باید خود را ملزم به ضوابط و قواعدی کند که از جانب خداوند برای او تعیین شده است تا جایی که خدا او را خطاب می فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (سوره حاقه/۴۴)

بنابراین واضح است که وقتی سخن از مطلق بودن ولایت می شود، اشاره به امر نسبی دارد، به این معنا که در چارچوب دین و مصالح بندگان ولایت او محدودیتی ندارد و باید بنا به ضرورت برای مصلحتهای بالاتری در نظام اسلامی حتی برخی از فروع فقہی را نادیده بگیرد و با صدور حکم حکومتی مردم را از انجام واجبی (مثلاً حج) موقتاً باز دارد.

ولایت، رهبری باطنی است و کاملترین نوع رهبری می باشد و در اصل ولایت نوعی توان و قدرت معنوی است که انسان با اراده خداوند و در نتیجه عمل به دستورات و احکام الهی به آن دست می یابد. این در حالی است که دیکتاتور به معنای فرد یا حزب مستبد و خودرأی است که نبودن قاعده و قانون برای فرار از پاسخ گویی فرد در برابر اعمال بدی که انجام می دهد، کسب قدرت از راه غیر قانونی و بدون حد و مرز، تعیین جانشین به وسیله شخص، فرمانبرداری مردم به خاطر ترس، از خصوصیات این نوع حکومت است که با ولایت مطلقه فقیه در حکومت اسلامی کاملاً مغایر است، چرا که در حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه هیچ کس حتی معصومین (علیهم السلام) نیز استثنا نشده اند.

فقیه در اختیارات خود باید احکام اسلام و مصلحت جامعه اسلامی را ملاک عمل و تصمیم گیری های خود قرار دهد، بلکه حتی معصومین علیهم السلام نیز در تصمیمات حکومتی خود بدون محدودیت نیستند و رعایت مصلحت جامعه اسلامی و منافع مسلمین، مهمترین ملاک در تصمیم گیری های آنان می باشد، حتی اگر برای رعایت مصلحت جامعه، بر شخص آنان ستمی وارد شود. (۳)

علت مطلق بودن ولایت فقیه مبسوط الید بودن آن جهت حل مشکلات و رتق و فتق امور است و هرگز به معنای عصمت و عدم خطای او نیست.

توضیح این که حاکمیت ملازماتی دارد که از جمله آن مبسوط الید بودن (قدرت تام داشتن) حاکم است و این تنها مربوط به فقیه نیست و هر حاکمی لامحاله این گونه است. در مورد فقیه هم عقلاً همین حکم جاری خواهد بود. ولایت مطلقه امر عجیب و قریبی نیست بلکه معنای متداول در جهان سیاست و حکومت است که بدون آن اعمال حاکمیت با تنگناهای فراوانی روبرو خواهد شد. البته نباید ولایت مطلقه را این گونه معنا کنیم که فقیه هر چه دلش می خواهد می تواند انجام دهد، بلکه اگر فقیه مصلحتی را فراتر از قانون یا شرع تشخیص دهد، بر این اساس است که آن مصلحت را مقدم می دارد. حال این مصلحت و اهمیت آن، گاهی چنان واضح و بی ابهام است که همگان متوجه اهمیت آن می شوند مانند آن که کل جامعه اسلامی در خطر است.

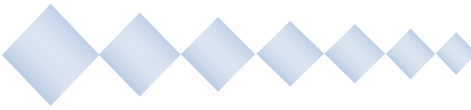
ولی اگر چنین نباشد وظیفه خبرگان رهبری است که در این مورد از ولی فقیه توضیح خواسته و وظیفه رهبری است که با دلیل و برهان آنان را متقاعد کند که مصلحت این حکم را ایجاب می کرده است والا با او برخورد قانونی می شود. پس اگر چنین تلقی شود که ولی فقیه ولایت مطلقه دارد، یعنی هر چه سلیقه اش می طلبد عمل کند این معنا معلوم است که نمی تواند درست باشد.

حکومت اسلامی که اساس آن بر پایه عدالت ریخته شده با حکومت های دیگر تفاوت های چشمگیری دارد، امام علیه السلام آنها را چنین مطرح می کند:



حکومت اسلامی هیچ یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. مثلاً، استبدادی نیست که رئیس دولت مستبد و خودرأی باشد؛ مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دل خواه دخل و تصرف کند؛ هر کس را اراده اش تعلق گرفت بکشد، و هر کس را خواست انعام کند، و به هر که خواست املاک و اموال ملت را ببخشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و سایر خلفا هم چنین اختیاراتی نداشتند. حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت باشد در حکومت اسلام حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. (۴)

دنیا این طور است که جعل قانون به تنهایی فایده ندارد و سعادت بشر را تأمین نمی کند. پس از تشریح قانون، باید قوه مجریه ای به وجود آید. در یک تشریح یا در یک حکومت، اگر قوه مجریه نباشد، نقص وارد است به همین جهت، اسلام همان طور که جعل قوانین کرده، قوه مجریه هم قرار داده است. اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، جزئی از ولایت است؛ چنانکه مبارزه و کوشش برای آن، از اعتقاد به ولایت است.



در ولایت مطلقه ی فقیه این وظیفه ولی فقیه است که سنگین تر می شود چرا که از یک طرف باید دین را تبیین نماید و از طرف دیگر احکام آن را در جامعه اجرا کند. امام علیه السلام می فرمایند: اینجا صحبت از مقام نیست؛ بلکه صحبت از حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع است یک وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیرعادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد.

در خاتمه لازم است بیانات مقام معظم رهبری را یاد آور شویم: عده ای سعی می کنند ولایت فقیه را به معنای حکومت مطلقه ی فردی معرفی کنند؛ این دروغ است. ولایت فقیه طبق قانون اساسی ما نافی مسؤولیت های ارکان مسؤول کشور نیست. مسؤولیت دستگاه های مختلف و ارکان کشور غیرقابل سلب است. ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی ترین و محوری ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است. (۵)

فهرست منابع

- ۱- سرپرست و مدیر مالک عبد، صدیق، غلام، قاموس قرآن، سیدعلی اکبر قرشی، دارالکتاب الاسلامیه، ج (۷-۶-۵)، چاپ ۱۵، ۱۳۸۶
- ۲- تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ۳۴، ۱۳۸۷.
- ۳- تحقیق دانشگاه امام صادق (ع) واحد خواهران، موضوع: ولایت فقیه و شبهات پیرامون آن، گرد آورندگان: نجمه مصدق- زینب شجاعی، صفحه ۷-۸، کد (۸۴۰۰)
- ۴- ولایت فقیه (امام خمینی)، ص: ۴۴
- ۵- ولایت فقیه سایه حقیقت عظمی، ص ۲۴۷-۲۴۸



## فاطمه توحیدی

پس از چند ماه رقابت تنگاتنگ بین نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا، دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه و هیلاری کلینتون از حزب دموکرات به عنوان نامزدهای نهایی برای تصدی ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شدند تا در انتخاباتی که به زعم رسانه ها و نظرسنجی های انجام شده جنجالی ترین انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ آمریکا خواهد بود، به رقابت بپردازند.

چرا که از اردوگاه جمهوری خواهان، فرد جنجالی همچون ترامپ به دور نهایی راه یافته و نامزد نهایی دموکرات ها، هیلاری کلینتون، یک زن و همسر رئیس جمهور سابق آمریکا است و در ماه های اخیر جنگ لفظی دو نامزد علیه یکدیگر شدت گرفته است. هرچند ترامپ تا چندی پیش در بسیاری از نظرسنجی های انجام شده در داخل آمریکا از لحاظ اقبال عمومی نسبت به هیلاری کلینتون عقب بود، اما نظرسنجی جدیدی که در آمریکا انجام شده، نشان می دهد حمایت از ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، برای اولین بار در دو ماه گذشته تقریباً با کلینتون برابر شده است و این نامزد جنجالی جمهوری خواهان به یک قدمی نامزد دموکرات ها رسیده است و رقابت شانه به شانه بین دو رقیب پیش می رود.

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی نوشته بود: «دونالد ترامپ منفرترین نامزد در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است و اگر به عنوان نامزد قطعی حزب جمهوری خواه برای این رقابت انتخاب شود؛ حزب جمهوری خواه بهتر است برای حفظ منزلت و اعتبار خود از خیر ریاست جمهوری آمریکا بگذرد و اجازه ندهد پای ترامپ به کاخ سفید برسد.



نکنه متمایز این دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در بین جمهوری خواهان یک دست و متحد نبودن اعضای این حزب در حمایت از نامزد نهایی است که برخلاف میل خود مجبور به پذیرش او، یعنی ترامپ، شده اند. ترامپ پیشتر تهدید کرده بود بود که در صورت عدم تایید از سوی جمهوری خواهان به طور مستقل در انتخابات شرکت خواهد کرد و جمهوری خواهان برای این که آرای مردمی را از دست ندهند ترامپ را نامزد نهایی اعلام کردند.

از اقشار مردم، طرفداران ترامپ سرخوردگانی هستند که از وضع اقتصادی خوبی بهره مند نبوده و از پدیده مهاجرت دل خوشی ندارند و بخشی از محبوبیت ترامپ در بین اقشار مختلف جامعه آمریکا به این مسئله ارتباط پیدا می کند. یکی از دلایل محبوبیت ترامپ در بین اقشار مختلف جامعه، استقلال مالی و عدم وابستگی وی به دلارهای لابی صهیونیستی «آپیک» و شرکت های اقتصادی بزرگ است که شاید بتواند آمریکا را از زیر بار فشارهای صهیونیست ها در سیاست های داخلی و خارجی برهاند.

به نظر می رسد، جمهوری خواهان از روی ناچاری به ترامپ امیدوارند تا مقتضیات ریاست کاخ سفید در صورت انتخاب شدنش، وی را تغییر دهد و او را به چارچوب حکومت بر آمریکا بازگرداند. سخنان وی درباره سیاست خارجی آمریکا علاوه بر جمهوری خواهان، متحدان خارجی این کشور را نیز نگران کرده است و آن ها تمایلی به پیروزی ترامپ در انتخابات ندارند و موضع گیری های مقامات غربی علیه ترامپ بیانگر همین امر است.

ترامپ خود بارها گفته است که نیازی به حمایت های مالی دیگران ندارد و همین مسئله سبب شده است تا لابی صهیونیستی و حتی سعودی از کلینتون، رقیب ترامپ، حمایت کنند و گزارش هایی منتشر شده است که رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی میلیون ها دلار به کمپین انتخاباتی کلینتون کمک کرده اند تا وی بتواند در انتخابات بر ترامپ پیروز شود، چرا که آن ها ترامپ را گزینه مطلوبی برای اجرای برنامه های مخربانه منطقه ای و جهانی خود نمی بینند .

اگرچه نتیجه نظرسنجی ها نشان می دهد که دو رقیب دوشادوش یکدیگر پیش می روند، اما آنچه از شواهد و قرائن بر می آید این است که احتمالاً شانس کلینتون برای بر عهده گرفتن سکان هدایت کاخ سفید بیشتر است. از یک طرف، کلینتون حمایت همه جانبه دموکرات ها را پشت سر خود دارد و اتحادی بین آن ها برای حمایت از کلینتون وجود دارد، ولی ترامپ از چنین حمایتی برخوردار نیست و برخی از اعضای حزب جمهوری خواه که به ناچار تن به نامزدی ترامپ داده اند گفته اند که به کلینتون رای خواهند داد و این مسئله می تواند در ریزش آرای ترامپ در انتخابات تاثیر گذار باشد، چرا که عدم حمایت اعضای حزب جمهوری خواه در جلب نظر مردم برای رای دادن به ترامپ نتیجه معکوس خواهد داشت.

از سوی دیگر، اگر به تاریخ چند دهه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نگاه کنیم، متوجه می شویم که نقش لابی صهیونیستی در این انتخابات مشهود است و بیشتر افرادی در آمریکا رئیس جمهور می شوند که مورد حمایت لابی صهیونیستی باشند و سرمایه گذاری های آن ها بر روی فرد خاص تاثیرگذار است و نقش تعیین کننده ای در نتیجه انتخابات دارد.





کلینتون و ترامپ درباره برجام و نحوه تعامل با ایران در برخی موضوعات همسو با حزب خود و در موارد دیگر غیر همسو اظهار نظر می کنند. مواضع هیلاری کلینتون و دونالد ترامپ در قبال برجام تا حدود زیادی همسو با مواضع حزبی است. یکی از محورهای مهم در موضع گیری ها و سخنرانی های انتخاباتی این دو نامزد، موضوع نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و توافق هسته ای آن با کشورهای ۱ + ۵ است.

هیلاری کلینتون برخلاف ترامپ، خود را در طول رقابت های انتخاباتی حامی توافق هسته ای ایران نشان داده است. کلینتون در نطق سیاست خارجی خود در "سن دیگو" مدعی شد که آمریکا می تواند با اقدام نظامی برنامه هسته ای ایران را متوقف کند؛ اما در عین حال تاکید کرد اقدام نظامی علیه ایران می تواند باعث گسترش جنگ در سطح منطقه شده و سربازان آمریکایی را در یک گرداب بزرگ دیگر در خاورمیانه گرفتار کند.

در این دوره نیز لابی صهیونیستی در کنار کلینتون ایستاده و برای پیروزی وی در انتخابات آتی تلاش می کند و اخیرا لابی سعودی هم در آمریکا فعال شده و به همراه صهیونیست ها از نامزد دموکرات ها حمایت می کند. هیلاری کلینتون که در دوره اول اوباما مسئولیت وزارت خارجه آمریکا را برعهده داشت، نقش بارزی در بحران های منطقه ایفا کرد و خود اعتراف کرده است که از جمله اقداماتش کمک به تأسیس داعش بوده است. همچنین اظهارات جنجالی ترامپ علیه مسلمانان و نوع نگاهش به ارتباط با متحدان آمریکا سبب شده تا وی در عرصه بین المللی هم محبوبیت و مقبولیت چندانی نداشته باشد. انتخابات آمریکا قراست در ماه نوامبر برگزار شود پس باید منتظر نتیجه آن ماند.

کلینتون همچنین اضافه کرد: ما در عوض به جای جنگ، ایران را به پای میز مذاکره آوردیم و در نهایت تمام مسیرها را به روی جاه‌طلبی‌های هسته‌ای آن بستیم. وی در ادامه تاکید کرد جهان باید بداند که واشینگتن در صورت نیاز از اقدام نظامی نیز برای متوقف ساختن ایران استفاده خواهد کرد؛ بویژه اگر پای منافع اسرائیل به عنوان نزدیک‌ترین متحد آمریکا در منطقه در میان باشد. کلینتون در سیاست خود در قبال ایران بر فشار توأم با تحریم، تاکید دارد.

وی با اوباما درباره ایران اختلاف نظر دارد. نقطه ثقل سیاست وی، مهار منطقه ای ایران و مقابله با محور مقاومت خواهد بود. وی طرفدار جدی بی ثبات سازی ایران است. از آنجا که وی از پایه گذاران تروریسم تکفیری در منطقه است، انتخاب وی جنگ نیابتی علیه محور مقاومت و ایران را تشدید می کند و شاهد اقدامات وی برای بی ثبات سازی محیط داخلی ایران خواهیم بود.

در مقابل، دونالد ترامپ، اگرچه مانند «تند کروز» - رقیب انتخاباتی سابق خود - مدعی نشده است که توافق هسته‌ای ایران را در اولین روز ریاست جمهوری خود پاره خواهد کرد؛ اما به کرات تاکید کرده است در صورت پیروزی در انتخابات، اصلاحاتی را در متن توافق هسته‌ای ایران اعمال خواهد کرد تا ایران مجبور شود تاوان سنگین‌تری را در صورت نقض آن بپردازد. ترامپ مانند همه جمهوری خواهان سیاست تهاجمی در قبال ایران اتخاذ خواهد کرد. ترامپ اولویت خود را بر تهدید ایران قرار خواهد داد و از تحریم و فشار به عنوان شیوه های مکمل استفاده خواهد کرد. انتخاب ترامپ، خصومت آمریکا برای مهار قدرت منطقه ای ایران را آشکارتر می سازد. ترامپ همچنین بارها مدعی شده است ایران در حال افزایش نفوذ خود در سوریه، عراق و یمن است؛ اما تاکنون حرفی از برکناری دولت مشروع بشار اسد به زبان نیاورده است. وی وعده داده است پس از پیروزی در انتخابات، ۳۰ هزار نیرو برای مقابله با داعش به منطقه اعزام کند.



کلینتون نیز معتقد است واشینگتن نباید اجازه دهد ایران با حضور در سوریه، نفوذ خود را در نزدیکی اسرائیل افزایش دهد. وی همچنین مانند ترامپ خواستار افزایش نقش آمریکا در سوریه و عراق برای مقابله با داعش شده است.

کلینتون معتقد است که آمریکا باید حضور نظامی خود را در مناطق مختلف جهان حفظ کند؛ چرا که خلاء قدرت آمریکا باعث شکل‌گیری قدرتهای جدید در نقاط مختلف جهان می‌شود. همانگونه که به ادعای وی، خروج آمریکا از عراق باعث شکل‌گیری داعش شد.

با این حال، هر دو نامزد، آزمایش‌های موشکی اخیر ایران را نقض برجام و قطعنامه‌های سازمان ملل دانسته‌اند. هم چنین تاکید بر خصومت و فشار بیشتر به ایران، فصل مشترک سیاست‌های ترامپ و کلینتون برای نرمال نمودن رفتار و مهار قدرت منطقه ای ایران است.

تجربه تاریخی برجام این درس را به ما آموخت که برجام برای کاهش فشار و رفع تحریم علیه ایران نیست، بلکه مکانیزمی است؛ جهت حفظ فشار و تحریم برای ستانده‌های بیشتر از ایران (برجام ۲ و ۳ و ۴ و ...). تجربه تاریخی برجام به ما اثبات کرد که رونق اقتصادی از طریق برجام غیرممکن است و هرگز با سهل‌اندیشی به دشمن اعتماد نکنیم.

در نتیجه پیروزی هر یک از این دو نامزد تاثیر متفاوتی در اوضاع برجام خواهد گذاشت. از موضع‌گیری‌های هیلاری کلینتون استنباط می‌شود که تغییری در سیاست آمریکا در قبال برجام اتخاذ نخواهد شد و همچنان روش بدعهدی و عدم پایبندی به تعهدات توسط آمریکا استمرار خواهد داشت. مواضع ترامپ در خصوص برجام روشن و شفاف است و آن مخالفت با برجام است و تکلیف را روشن است ولی کلینتون در واقع برای نیل به اهداف خود سعی دارد سیاست منافقانه را اجرایی کند.

۱- سخنان دکتر رضا سراج (عضویت علمی

دانشگاه و کارشناس مسائل راهبردی)

۲- پایگاه بصیرت. ۳- سایت عماربون

۴- گروه بین‌الملل باشگاه خبرنگاران جوان.



شہید مدافع حرم  
مجتبیٰ ذوالفقاری نسب



شہید مدافع حرم

علی نظری